



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2022; 4(1): 264-270

Received: 10-12-2021

Accepted: 18-01-2022

تظاهرات و حکم آن در فقه اسلامی

نصیر احمد شریعتی

نصیر احمد شریعتی

د کاپیسا ولایت د البیرونی

پوهنتون د شرعیاتو استاد

چکیده

انتقاد و اعتراض، از جمله حقوق و آزادی های سیاسی مردم و از منظر دینی، تکلیف مؤمنان به منظور اصلاح و بهبود یافتن امور حکومت به شمار می رود که بر اساس مبانی منطقی و عقلانی، استوار بوده و از نظر دینی، توجیه پذیر است، نکته مهم در این رابطه، آن است، که انتقاد و اعتراض، به مثابه نوعی از پیکار سیاسی با حفظ مشروعیت نظام سیاسی و به عنوان مبارزه در حکومت، و نه مبارزه با حکومت، با هدف ایجاد اصلاحات و در راستای همگونی و همگونی، صورت میگیرد، از این جهت، لازم است در طرح انتقاد و اعتراض، شیوه های متفاوت و مختلف آن مد نظر قرار گیرد که با توجه به هدف اصلی، می بایست بر اساس مراحل مختلف و به صورت تدریجی انجام پذیرد، علاوه بر آن، انتقاد و اعتراض نسبت به عملکردها و سیاست های دولت، حدود و شرایطی دارد که عدم رعایت آنها ممکن است مسیر سازنده و هدف اصلاح طلبانه انتقاد و اعتراض را منحرف نموده و تغییر دهد، بنابراین، لازم است در طرح انتقاد و اعتراض، آداب و قواعد حاکم بر آن رعایت شود، و انتقاد و اعتراض به هر شیوه ای صورت گیرد، گونه ای پیکار سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر قدرت انجام میگیرد، از این رو، در کلیه حکومت ها، اعم از دموکراسی و غیر آن، پیکار سیاسی علنی، محدود است، بر اساس مشروعیت نظام سیاسی، با هرگونه خاستگاهی، هر نوع انتقاد به عنوان مبارزه در حکومت تلقی میشود و آشکار است که چنین مبارزه ای ضمن اینکه شکلی از پیکار سیاسی است، راهی برای رسیدن به همگونی میباشد، زیرا در درون آن، توافق در باب اصول سیاسی جامعه و نهادهایی که این اصول را اعمال میکنند، نهفته است، و بر اساس نگرش اسلامی، یکی از پایه های مدیریت و سیاست اجتماع، نصیحت و خیرخواهی متقابل حکومت و مردم نسبت به همدیگر است و جالب تر این که در فقه سیاسی اسلام، کفه نصیحت به نفع مردم، نسبت به زمامداران، سنگین تر است، یعنی مردم به دلیل این که اعمال و رفتار زمامداران را میبینند و عملکرد دولت در دید آنان صورت میگیرد و لذا داور بی طرف و ناقد منصفی به شمار می روند، از این رو، در مقام ارزیابی اعمال حکومت و در راستای بهبود بخشیدن به مدیریت جامعه و حفظ انتظام آن، نصیحت به ائمه مسلمین، یکی از وظایف امت و یکی از شیوه های مطلوب و مؤثر برای گوشزد نمودن خطاهای زمامداران و رفع نواقص دولت دانسته شده است، فلذا در تحریر این مقاله علمی از منابع معتبر شرعی استفاده شده است، و مقاله مذکور در برگزیده دو مبحث، و چند مطلب، عنوان نتیجه گیری و مراجع و مصادر میباشد.

واژه های کلیدی: اعتصابات، حاکم، حق، خروج، ظلم، مصلحت، مظاهرات.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، والصلوة والسلام علی أشرف الخلق وإمام الأنبياء والمرسلین وسید الأولین والآخرین، سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم، وعلی آله وصحبه الغر الميامین اما بعد: انتقاد و اعتراض از جمله حقوق و آزادی های سیاسی شهروندان به شمار می رود که در نظام های مردم سالار، هرچند با تفاوت هایی، به رسمیت شناخته شده است، حکومت اسلامی نیز با توجه به این که نسبت به جایگاه مردم در عرصه سیاسی، رویکردی مثبت داشته و به نقش فعال آنان اعتراف دارد، نمی تواند حقوق و آزادی های سیاسی شهروندان را نادیده انگارد؛ چرا که علاوه بر اقتضای ویژگی مردم سالاری، فقه سیاسی اسلام نیز که تعیین کننده اصول، مبانی و چارچوب های روابط دولت و ملت است، در زمینه شناسایی حقوق و آزادی های مردم، موضع شفاف و صریح دارد، و انتقاد و اعتراض به هر شیوه ای صورت گیرد، گونه ای پیکار سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر قدرت انجام می گیرد، از این رو، در کلیه حکومت ها اعم از دموکراسی و غیر آن، پیکار سیاسی علنی، محدود است، باید گفت: که تظاهرات نوعی از خروج و طغیان بر علیه حاکم تلقی می شود، لذا برای آنکه حکم آنرا بررسی نماییم لازمست که در ابتدای این مسئله، حکم شریعت را در خصوص شورش و خروج بر علیه حاکم را بیان نماییم، آنگاه حکم تظاهرات را از دید موافقان و مخالفان بررسی می کنیم، باید بدانیم که در یک حکومت اسلامی که در رأس آن

Corresponding Author:

نصیر احمد شریعتی

د کاپیسا ولایت د البیرونی

پوهنتون د شرعیاتو استاد

حاکم و یا خلیفه قرار دارد، بر مسلمین واجب است تا به وی بیعت دهند، چرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «...وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (جمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ، ج 2 ، ص 219) یعنی ، هر کس بمیرد و بیعتی بر گردن نداشته باشد با مرگ جاهلیت مرده است.) ، بنابراین بر مسلمانان واجب است که به حاکم اسلامی (کسی که شریعت اسلام را بر طبق کتاب و سنت در جامعه تطبیق می کند) بیعت دهند، بر مسلمانان واجب است که از خلیفه و حاکم اسلامی کشور خود - در کارهای نیک و معروف - اطاعت کنند و از امر او خارج نشوند، زیرا خداوند متعال چنین امر می کند: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ} (سورة النساء: 59) ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حاکم بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 43) ، هم چنین پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ كَانَ عَبْدٌ حَبْشِيًّا» (المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم ، ج 1 ، ص 35) یعنی ، شما را به تقوای پروردگار توصیه و سفارش می کنم و همچنین شما را سفارش می کنم که از رؤسای خویش حرف شنوی و اطاعت داشته باشید هرچند یک عبد حبشی بر شما حکم براند.) ، جای دیگری نیز پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : «السمع والطاعة حق على المرء المسلم فيما أحب أو كره ما لم يؤمر بمعصية فلا سمع عليه ولا طاعة» (کنز العمال ، ج 6 ، ص 68) یعنی ، بر هر فردی واجب است که در آنچه می پسندد و نمی پسندد، حرف حاکم اسلام را بشنود و اطاعت کند ، مگر اینکه او را به معصیت و گناهی دستور دهد ، که در آن صورت باید آن را نشنیده گرفته و اطاعت نکند) ، بنابراین مادامیکه حاکم مسلمان باشد، در معروف باید از او اطاعت کرد و این به معنای رضایت بر حاکم فاسق نیست، بلکه هدف، اطاعت از فرمایش رسول الله صلی الله علیه وسلم است که ما را به این امر رهنمود می نمایند. و قطعاً خیر و برکت در پیروی کردن از خدا و رسولش صلی الله علیه وسلم است نه در آنچه که بعضی از مسلمانان جاهل از روی توجیهات عوام پسندانه ابراز می دارند ، پس باید بدانیم که اطاعت از حاکم اسلامی و شورش نکردن بر علیه وی واجب است، و محبت مسلمان نسبت به حاکم اسلامی (به میزان پایبند بودنشان به شرع) متفاوت است و هر قدر که خلیفه ای عادلتر و ملتزمتر باشد محبتش بیشتر می شود و البته با فسقش محبت او کمزنگتر خواهد شد ، و لیکن وقتی که سلطان ظالم باشد ، و به وی حق را کشاندن بخاطر تأمین عدالت بزرگترین جهاد است ، طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید : « أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ » (سنن أبی داود ، ج 4 ، ص 217) یعنی ، گفتند کلمه حق نزد سلطان ظالم بزرگترین جهاد میباشد).

اهمیت موضوع : هرآنینه مظاهرات مثبت از مهمترین موضوعات زندگی انسان ها بشمار آید ، چراکه انسان بدون اقامه حق به فوز دنیا و آخرت نایل نمی گردد ، و هم چنان اقامه حق وسیله از برای حفظ نفس بوده ، که حفظ نفس از جمله مقاصد شریعت اسلامی است ، و تطبیق حق از جمله موضوعات مهم اجتماعی بخاطر تأمین عدالت بوده، پس مناسب است ، که بخاطر اقامه حق حرکت نمایم ، پس وجبیه ما است ، که به آن جامه عمل بپوشانیم ، و قتیکه ما احکام حق را ندانیم ، پس عمل کردن به آن هم ممکن نمی باشد ، فلذا دانستن احکام تظاهرات مثبت از مهم ترین موضوعات اجتماعی در زندگی ما است ، بناء توجه به آن از موضوعات ویژه در زندگی انسان ها میباشد.

سبب اختیار موضوع : براساس مشروعیت نظام سیاسی، با هرگونه خاستگاهی، هر نوع انتقاد یا اعتراض به عنوان مبارزه در حکومت تلقی می شود ، و آشکار است ، که چنین مبارزه ای ضمن این که شکلی از پیکار سیاسی است، راهی برای رسیدن به همگونی می باشد، زیرا در درون آن، توافق در باب اصول سیاسی جامعه و نهادهایی که این اصول را اعمال می کنند، نهفته است ، بناء براین خواستم ، روی همین موضوع بحث همه جانبه نمایم ، اگر چه روی موضوع مذکور بطور غیر مرتب بحث شده است ، و لیکن خواستم که موضوع مذکور بطور مرتب درین مقاله علمی مورد پژوهش قرار داده ، تا که خوانندگان از آن استفاده اعظمی نمایند.

اهداف موضوع : اهداف نویسنده درین تحقیق قرار ذیل است و بطور خلاصه به آن اشاره مینمایم.

- 1- آگاه ساختن اشخاص حقیقی و حقوقی از حقوق شرعی و قانونی ایشان که در وقت تظاهرات و یا حرکت های مدنی دارا می باشند ، می توانند ، آنرا از خود تبارز دهند.
- 2- بیان مشروعیت تظاهرات مثبت بخاطر مطالبات حق و تطبیق آن و تأمین عدالت و جلوگیری از حق تلفی و ظلم...، اشخاص حقیقی و حقوقی میباشد.
- 3- چون روی همین موضوع مذکور بحث در فقه اسلامی بطور غیر مرتب صورت گرفته است، ولیکن درین رساله علمی همه موضوعات مرتبط به تظاهرات و حکم آن و یا حرکت های مدنی بطور مرتب گردآوری شده ، تا خوانندگان به آسانی از موضوع آگاهی حاصل نمایند.
- 4- بیان عدم مشروعیت تظاهرات و یا حرکت های مدنی که باعث تخریب اماکن عام المنفعه و اذیت و آزار و تخریت تأسیسات عامه و اشخاص در جامعه گردد ، باید از هم چو اعمال جلوگیری بعمل آید.
- 5- جلوگیری از افراط و تفریط در برگزاری تظاهرات که بخاطر حق طلبی صورت می گیرد.

سوالات مطروحه متعلق به موضوع : در رابطه به موضوع مذکور سوالات زیادی مطرح میباشد ، مثل : معنی و مفهوم تظاهرات ، حکم تظاهرات ، اسرار و حکمت آن ، مشروعیت تظاهرات در کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ، و بیان کردن اقوال فقهاء در رابطه به تظاهرات و غیره مسایلی که متعلق به این موضوع میباشد.

تحقیقات گذشته پیرامون موضوع : تظاهرات و حکم آن از جمله موضوعاتی است ، که بالای آن به شکل پراکنده تحت یک عنوان و یا اضافه از آن در کتاب ها بحث شده است ، کدام اثر

مستقل علمی بالای آن تحریر نگردیده ، فلذا درین رساله همه موضوعات متعلق به آن گرد آوری شده ، تاکه خواننده گان از آن استفاده و بهره برداری خوب نمایند.

➤ تعریف مظاهر، حکم تکلیفی مظاهر و مشروعیت مظاهر ، حکم تظاهرات مسالمت آمیز ، مثال های آن.

- **تعریف مظاهر :** این عنوان در برگیرنده مطالب آتی میباشد :

- **مظاهر در لغت :** مظاهر مأخوذ از تظاهر بوده ، و به معنای آشکار ساختن نظر و اظهار نمودن عاطفه به صورت هیئت اجتماعی میباشد (المعجم الوسیط ، مادة : ظهر).

- **مظاهر در اصطلاح :** عبارت از بیرون شدن مردم در شهر بخاطر مطالبه حق و تأمین عدالت از نزد حاکم میباشد (المظاهرات السلمية ، ج 1 ، ص 4).

● حکم تکلیفی مظاهر :

حکم اجمالی مظاهر و مشروعیت آن طوری است ، که بیرون شدن افراد در شهر یک امر مشروع بوده ، حرام نمی باشد ، و مطالبه امور مشروع از حاکم هم چنان مشروع است ، باید گفت : که حکم تکلیفی به پنج قسم میباشد ، و آنها عبارت اند از واجب ، مندوب ، مباح ، مکروه و حرام است ، فلذا فعلی را که انسان در روی زمین انجام می دهد ، از همین پنج حالت بیرون نمی باشد ، یعنی ، حکم فعل وی یا واجب است ، و یا مندوب و یا مباح و یا مکروه و یا حرام میباشد ، و در حالات مختلف حکم تظاهرات و یا خروج هم متفاوت است ، طوری که اگر خروج بخاطر مطالبه رفع ظلم حاکم باشد ، درین مظاهر کردن واجب است ، و اگر خروج بخاطر احیاء یک عمل مندوب صورت گیرد ، باز درین حالت حکم مظاهر مندوب میباشد ، و اگر خروج بخاطر تأمین یک امر مباح باشد ، مانند : اینکه مردم از امیر مطالبه ایجاد باغی را نمایند ، باز درین حالت حکم مظاهر مباح میباشد ، و اگر خروج بخاطر ازاله یک امر مکروه باشد ، مانند : اینکه اهل مظاهر از امیر مطالبه قطع کار کردن را در شب نمایند ، طوری که الله متعال فرموده است : { قَالُوا الْإِصْبَاحُ وَجَعَلَ اللَّيْلُ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ خُسْفَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ } (سوره الانعام : 95) ترجمه : او است که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان ،) و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمره عبادی و تجاری خود) کرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار متعالی است که چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است (تفسر نور ، ج 1 ، ص 54)، و اگر خروج بخاطر توشیح یک امر حرام باشد ، مانند : اینکه اهل مظاهر از امیر مطالبه ایجاد شراب خانه رانمایند، پس درین صورت مظاهر کردن حرام میباشد (المظاهرات السلمية ، ج 1 ، ص 5).

● مشروعیت حکم مظاهر :

مظاهر مثبت وقتی واجب است ، که خواست مظاهر کننده گان رفع ظلم و استحکام واجب بوده باشد ، و همین مسئله به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ، ثابت است.

- **دلیل از کتاب الله :** الله متعال در آیات متعدد مسلمانان را حکم به امر به معروف و نهی از منکر نموده است ، می فرماید :

{وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} (سوره آل عمران : 104) ترجمه : باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارانند (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 45) ، باید گفت : که دعوت به کار خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، چیز ساده و کوچکی نیست ، وقتی این را می فهمیم که به ماهیت آن نگاهی بیندازیم ، و برخورد آن را با خواستها و آرزوها و شهوات و سرکشیهایی مردم بسنجیم ، و مصالح و منافع و غرور و کبریا و گروهها و دسته ها را در نظر بگیریم ، و متوجه باشیم ، که در میانشان : جبار ستم پیشه ، حکمران مسلط ، خاک نشینی که در اندیشه والائی نیست ، سست عنصری که از شدت و حدت بیزار است ، و ستمگری که دادگری را دشمن میدارد ، کجروی که راستروی را بد میداند ، یکی خوب را بد و بد را خوب می انگارد ، دیگری مردم آزار و بدکردار است ، و در میان جامعه وجود دارد ، و ملت اسلامی و بشریت رستگار نمیشوند ، مگر کار خیر بر جامعه حکمفرما گردد ، و خوب ، خوب بشمار آید ، و بد ، بد دانسته شود ، این کار هم وقتی میسر و ممکن است ، که خیر حاکم باشد و نیک ، نیک بشمار آید و بد بد محسوب گردد. و بالأخره از چنین سلطه و قدرتی فرمانبرداری و اطاعت گردد ، بر این اساس ، گروهی باید باشند که بر این دو رکن فراهم آیند : ایمان به خدا و برادری یزدانی. تا بدین امر مشکل و سخت ، با قوه ایمان و نیروی تقوی و همچنین با قوه محبت و الفت دست زند و به نگرهبانی آن کوشند ، هر دوی آنها برای انجام این وظیفه ای که خداوند بر عهده گروه مسلمانان انداخته است و قیام بدین تکلیف را از ایشان خواسته است ، حتماً از سوی دیگر خداوند شرط رستگاری را قیام بدین وظیفه قرار داده است (تفسیر فی ظلال ، ج 1 ، ص 344) ، و آیات دیگری هم است ، که از همه آنها به صراحت معلوم می شود ، که مسلمانان مکلف اند ، که بخاطر رفع ظلم و تأمین عدالت از حاکم مطالبات مشروع و مثبت بطور هیئت انفرادی و یا اجتماعی داشته باشند ، و این امر از جمله وجایب اسلامی ایشان بشمار می آید.

- **دلیل از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم :** پیامبر گرامی اسلام صلی علیه و سلم ، می فرماید : « مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَاسْتِطَاعَ أَنْ يُغَيِّرَهُ بِيَدِهِ فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ » (سنن ابی داود ، ج 1 ، ص 443) یعنی ، کسیکه منکری را مشاهده نماید ، پس همان منکر را به دست اش منع نماید ، و اگر توان منع کردن آنرا به دست خود نداشته باشد ، همان منکر را به زبان اش منع نماید ، و اگر توان منع آنرا به زبان نداشته باشد ، باید به قلبش از آن نفرت داشته باشد ، که قسم سوم آن ضعیف ترین حالت ایمان است) ، در حدیث دیگری آمده است ، پیامبر گرامی اسلام صلی علیه و سلم ، می فرماید : « والذی نفسی بیده لتأمرن بالمعروف ولتنهون عن المنکر أو لیوشکن الله أن یبعث علیکم عقاباً منه ثم تدعونه فلا یستجاب لکم » (سنن الترمذی ، ج 4 ، ص 468) ، یعنی ، قسم به ذاتیکه روح من در قبضه قدرت وی میباشد ، مردم را امر به نیکنوی و نهی از بدی نماید ، اگر از چنین عمل سر باز زنید ، به تحقیق الله متعال غذاب را بر شما نازل و دعای شما را اجابت نمی نماید) ، در جای دیگری نیز پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید : « انصر أخاک ظالماً أو مظلوماً ، فقال رجل یا رسول الله أنصره إذا کان مظلوماً أفأرأیت إذا کان ظالماً کیف

أنصره ؟ قال: تحجزه أو تمنعه من الظلم فإن ذلك نصره» (صحیح البخاری، ج 6، ص 255) یعنی، برادر ظالم و مظلوم خود را یاری نماید، پس مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم، پرسید؟ ای رسول الله صلی الله علیه وسلم ما شخص مظلوم را یاری می کنیم، بخاطریکه وی مظلوم قرار گرفته است، و لیکن ظالم را چطور یاری نمایم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: دست وی را از ظلم اش کوتاه نمودن است، و از احادیث فوق الذکر به صراحت معلوم می شود، که مسلمانان در جامعه اسلامی در مقابل حق تلفی و بی عدالتی و منکرات مکلفیت دینی دارند، که از مجرای های مختلف بطور مسالمت آمیز مانع آن گردند، و یکی از همان راه های اصلاحی تظاهرات و حرکت های مدنی میباشد.

• حکم تظاهرات مسالمت آمیز به نزد علماء معاصر: این عنوان در برگزیده مطالب آتی میباشد:

- قول بعضی از علمای معاصر: مثل، دوکتور یوسف قرضاوی، و مجمع فقه اسلامی میگویند: که مظاهرات و حرکت های مدنی مسالمت آمیز که بخاطر مطالبه حق و تأمین عدالت بوده باشد، جایز است، و همین حق از برای مسلمانان و غیر مسلمانان ثابت است، مشروط بر اینکه اهل تظاهرات مرتکب اعمال قتل و یا تخریب اماکن و یا فعل حرام نشوند، می توانند (مجله البحوث الإسلامية، شماره: 38، 8، ص 210)، و ایشان به دلایل ذیل استدلال می نمایند:

1- مظاهرات از جمله اموری عادی و تقاضای حیات مدنی انسان ها میباشد، و اصل در امورات اباحت است، در صورتیکه دلیل شرعی معارض آن واقع نگردد، و همان امورات بر اباحت باقی می ماند، و به همین امورات بدعت هم اطلاق نمی گردد، چراکه از امورات عبادی نبوده، بلکه از جمله امورات عادی میباشد، و امورات عادی از جمله اموراتی است، که انسان به آن در هر زمان و مکان از لحاظ تحقق مصلحت نیاز مند میباشد، و بالای آن هیچ مفسدی مرتب نمی گردد، و در بابت آن کدام مانع موجود نمی باشد، مثلیکه حضرت عمر رضی الله عنه، در زمان خویش دیوان ها را ایجاد و شهرها را ها معین نموده اند، و هم چنان مسلمانان نظام پرداخت مزد را پایه گذاری کردند.

2- یقیناً در تظاهرات مسالمت آمیز تعاون در امور خیر و جلوگیری از ظلم موجود میباشد، الله متعال می فرماید: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} (سوره المائده: 2) ترجمه: در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید، از خدا بترسید. بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است (تفسیر نور، ج 1، ص 2).

3- اکثراً به تظاهرات و اعتصابات غیر مسلمانان روی می آورند، فلذا راه اندازی تظاهرات مشروط براینکه مفید باشد، از برای مسلمانان نیز جایز است، چراکه هر عملیکه مفید باشد، نصوص شرعی مخالف آن بوده نمی تواند، باید گفت: که حق گمشده مسلمان است، در هر مسیریکه وی بتواند حق را بیابد، حق بجانب دانسته می شود، مسلمانان می توانند، که بعضی چیز ها را از غیر مسلمانان بخاطر مدرن ساختن زندگی خود فرابگیرند، و تظاهرات مسالمت آمیز هم از جمله امور مفیدی است، که مسلمانان برای احقاق حق و مصالح جامعه به آن در

صورت ضرورت روی آورده می توانند، و مسئله مذکور مندرج تحت قاعده (مصلح المرسله) میباشد.

4- احکام وسایل موقوف به احکام مقاصد میباشد، و قتیکه مقصد در امور مشروع باشد، درین صورت وسایل حکم آنرا میگیرد، نیز مشروع میباشد، بناء اگر تظاهرات به اساس هدف مشروع راه اندازی شده باشد، مشروع دانسته می شود، مانند: اینکه تظاهرات بخاطر تحکیم شریعت و آزادی زندانیان که بدون تهمت زندانی شده اند، ویا مهار کردن قیمت های مواد اولیه در بازار صورت گرفته باشد، این نوع راه پیمائی ها چون بخاطر هدف مشروع است، در شرع جایز میباشد.

5- بزرگان صحابه مثل: طلحه، زبیر و عائشه رضی الله عنهم، اینها به طرف عراق بخاطر مطالبه خون حضرت عثمان رضی الله عنه به نزد حضرت علی رضی الله عنه رفتند، در حالیکه یک تعداد مردم دیگر نیز ایشان را همراهی می نموده اند، و قتیکه همین واقعه بین باقی صحابه انتشار یافت، هیچ کسی از آن انکار نکرده اند، فلذا واقعه مذکور دال بر مشروعیت تظاهرات مسالمت آمیز و مطالبه حق و تأمین عدالت میباشد (- الفقه المیسر، ج 13، ص 125).

- قول بعضی از علمای معاصر دیگر است، که ایشان میگویند: که مظاهرات و حرکت های مدنی مطلقاً جایز نمی باشد، و آنها به دلایل ذیل استدلال می نمایند:

1. مظاهرات و حرکت های مدنی وسیله شرعی نبوده، بلکه در برگزیده محرمات، قتل و تخریب اماکن و فساد میباشد.

2. مظاهرات و حرکت های مدنی یک بدعت جدید میباشد، و اولین کسانی که به همچو اعمال روی آورده اند، کشور های غربی بوده اند، در حالیکه ما از پیروی کردن اعمال یهود و نصاری... منع میباشیم.

3. مظاهرات و حرکت های مدنی در حقیقت بیرون شدن علیه حکام بوده، و باز شده دروازه فتنه ها میباشد، فلذا در همچو اعمال مفاسد نهایت زیاد است، از آن باید اجتناب نمود.

4. احادیث که دال بر مشروعیت مظاهرات مسالمت آمیز میباشد، از جمله احادیث اند، که پیامبر صلی الله علیه وسلم، پیش از هجرت آنها را ارشادات فرموده است، در حالیکه اصل در باب امر و نهی همان روایاتی اند، که پیامبر صلی الله علیه وسلم، بعد از هجرت آنها را ارشاد فرموده باشد.

5. تظاهرات باعث ایجاد آشوب و هرج و مرج در اجتماع شده، که بهترین فرصت استفاده جوئی را برای اهل فساد و تخریب کنندگان مساعد می گرداند.

6. حفاظت وحدت مسلمانان از مهترین اصول اسلام بشمار می رود، الله متعال می فرماید: {وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ} (سوره آل عمران: 103) ترجمه: و همگی به رشته (ناگسستی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید، و (همچنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن

مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید)، خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 45)، پیامبر صلی الله علیه وسلم ، می فرماید : « ید الله مع الجماعة » (سنن الترمذی ، ج 4 ، ص 466) یعنی ، تعاون و کمک الله متعال در اتفاق و همبستگی مسلمانان است) ، و آثاریکه در وحدت مسلمین نهفته است ، یک مسئله قابل انکار نمی باشد ، ولیکن کدام فسادیکه در بی اتفاقی و عدم وحدت مسلمانان موجود است ، به همگان هویدا می باشد (الفقه المیسر ، ج 13 ، ص 126).

- تطبیق بین دلایل دو مذهب : هر کدام از دو مذهب دلایلی را به جواز تظاهرات و عدم جواز آن ذکر نموده ، و به آن استدلال می نمایند ، ولیکن اکثر علماء به عدم جواز تظاهرات قایل اند ، چراکه در عدم برگزاری آن مصلحت و خیر موجود است ، و از فساد جلوگیری می شود ، در بسا اوقات تظاهرات در ابتداء مصلحت آمیز و لیکن در آخر به خشونت کشانده می شود ، و یا اینکه احتمال خشونت در آن موجود است ، فلذا اجتناب نمودن از آن اولی و بهتر می باشد ، و علماء سعودی به عدم جواز تظاهرات قایل اند ، و میگویند: تازمانیکه امیر عمل به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ، و بیعت و حفظ وحدت مسلمین در یک کشور اسلامی موجود بوده باشد ، تظاهرات مشروع نیست (البیان منشور فی وسائل الإعلام المختلفة و منها الإنترنت...).

• ذکر بعضی از مثالهای تظاهرات مسالمت آمیز: این عنوان در برگیرنده مطالب آتی میباشد :

- مظاهرات ایجابی از برای رفع ظلم : این نوع تظاهرات یک نوع فشار علیه ظالم میباشد ، تا اینکه از ظلم اش دست بردار شود ، و این عمل از جمله وجایب شرعی و مانع از ظلم در اجتماع می شود ، و در ضمن همکاری همراهی حاکم بر فعل خیر نیز صورت میگیرد ، و اگر تظاهرات مسالمت آمیز برگزار نشود ، و در مقابل ظالم صدا بلند نگردد ، و به وی گفته نشود ، که از ظلمت دست بردار شو ، و در مقابل حکم ظالمانه آن سکوت و آنرا قبول و ستایش نمود ، پس درین صورت چنین اشخاص متصف به فسق می شوند ، طوریکه قوم فرعون به آن متصف بودند ، الله متعال می فرماید : { فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ } (سوره الزحرف : 54) ترجمه: فرعون (برای ادامه خودکامگی خود) قوم خویش را فرومایه و ناگاه بارآورد (و آنان را در سطح پائینی از فرهنگ و رشد فکری نگاه داشت) و ایشان هم از او فرمانبرداری و پیروی کردند. آنان قومی فاسق (و خارج از اطاعت فرمان خدا و حکم عقل) بودند (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 21)، فرعون بالای مردم ظلم می نمود ، و هیچ کسی به وی چیزی نمی گفت ، الله متعال فرعون و قوم اش را مورد ملامتی و مواخذه قرار داد ، و فرمود: { ... إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ } (الایه) ، در حالیکه معذرت ایشان را الله متعال نپذیرفت ، و ایشان را فاسق خطاب نمود ، چراکه ایشان نگفتند ، که عمل شما ظلم است ، آنرا قبول نداریم ، و هر امتیکه در مقابل ظلم سکوت نمایند ، وعید مذکور متوجه آنها نیز می گردد (الجامع لأحكام القرآن ، ج 16 ، ص 101).

- اظهار کلمه حق در اجتماع : اظهار کردن کلمه حق در شهر و بازار و منابر مشروع میباشد ، طوریکه پیامبر صلی الله علیه و سلم ، میفرماید : « أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ »

(سنن أبی داود ، ج 4 ، ص 217) یعنی ، گفتن کلمه حق نزد سلطان ظالم بزرگترین جهاد میباشد) ، و پیامبر صلی الله علیه و سلم ، درین حدیث مذکور از مسلمان اراده داد فریاد و طرفدار بی بند و باری را در جامعه ندارد ، و درست نیست ، که در مقابل کلام ، کلام گفته شود ، و کلام باید جنبه سلبی هم نداشته باشد ، بلکه پیامبر صلی الله علیه و سلم ، از مسلمان اراده شنواندن کلام حق را به سلطان ظالم دارد ، و اصلاح وی مد نظر بوده باشد و باید گفت : که از برای سلطان دو هم راز یکی بد و دیگری خوب میباشد ، هم راز بد می بیند ، که سلطان چه اراده دارد ، همان عمل را از برای وی تزیین می نماید ، و از برای وی میگوید: همان کلامی راشما اراده دارید ، پسندیده و نیک است ، در حالیکه اگر عمل وی ظالمانه هم باشد ، این عمل را باخطر فریب سلطان و مطالبات دنیوی از وی انجام می دهد ، ولیکن هم راز خوب سلطان اراده رضامندی الله و رسولش را می داشته باشد ، و سلطان را به مسیر حق دعوت می نماید ، و گفتند: کلام به نزد سلطان دارای چهار صورت میباشد:

(أ) گفتن ، کلمه حق به نزد سلطان عادل کار آسان است ، کدام مشکلی در آن نمی باشد.

(ب) گفتن ، کلمه باطل به نزد سلطان عادل کار خطرناک است ، و نهایت مشکل میباشد.

(ج) گفتن ، کلمه حق به نزد سلطان ظالم ، بزرگترین جهاد است.

(د) گفتن ، کلمه باطل به نزد سلطان ظالم ، قبیح ترین عمل میباشد ، فلذا در چهار صورت فوق الذکر صورت سوم مصداق حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم ، میباشد (شرح ریاض الصالحین ، ج 1 ، ص 227)

• فواید مناقشه دو مذهب :

اگر مظاهرات و اعتصابات بطور مسالمت آمیز ، برگزار شود ، مانند : مظاهراتیکه در سوریه و در مصر و غیره جاه ها برگزار گردیده است ، و هدف در آن اصلاح نظام... باشد ، مشروع و در شرع از آن کدام ممانعت نیست ، و اگر مظاهرات و اعتصابات بطور مسالمت آمیز نباشد ، بلکه در مظاهرات و اعتصابات ، حمل اسلحه و تخریب اماکن... صورت گیرد ، باز مشروع نبوده ، حرام است (المظاهرات السلمية ، ج 1 ، ص 17).

➤ ذکر بعضی فتوای علماء در رابطه به مظاهرات.

• فتوی شیخ الإسلام ابن تیمیه ، رحمه الله :

بعضی حکام هستند ، مردم را در امید و ترس امتحان می نمایند ، و عده از مردم ایشان را از روی امید می پذیرند ، و عده دیگر اند ، و ی را از ترس قبول می نمایند ، و بعضی از مردم هستند ، که از وی خود را پنهان می کنند ، و کسانی که وی را اجابت ننمایند ، ایشان را از وظیفه بر کنار و معاش آنها را قطع می کند ، و اگر شخص اسیر باشد ، وی را قتل و یا حبس می نمایند ، مانند امام احمد رحمه الله در زمان امارت مامون که ایشان با نظریات آنها (تعطیل صفات الله) موافق نبودند ، ایشان را تعذیب نموده ، و لیکن امام احمد رحمه الله ، صبر کرده به نظریات آنها تسلیم نشده اند ، طوریکه الله متعال می فرماید : { وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ } (سوره السجده : 24) ترجمه: و از میان بنی اسرائیل پیشوایانی را پدیدار کردیم که به فرمان ما (و برابر قوانین ما ، مردمان را) راهنمایی می نمودند ، بدان گاه که بنی اسرائیل (در راه خدا بر تحمل سختیها) شکیبائی ورزیدند و به آیات ما ایمان کامل پیدا کردند (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 10) ، و به کسیکه الله متعال صبر و

یقین نصیب نماید ، باز وی را الله متعال امام در دین می گرداند ، با همین قدر نا برابری که همراهی ایشان صورت گرفت ، و لیکن ایشان به مظاهرات و خروج علیه حاکم روی نکرده اند ، و ایشان اتکاء به صبر نموده ، بخاطر دفع فساد بزرگ از مسلمانان ، تاکه جان و مال ایشان محفوظ بماند (مجموع الفتاوی ، ج 6 ، 214).

• فتوای ابن قیم ، رحمة الله :

خروج بر امیر یک امر منکر و اساس همه فتنه ها میباشد ، چون وقتیکه ما رای علماء سلف مانند : صحابه رضی الله عنهم ، و بعد از ایشان از علماء را مشاهده نمائیم ، و آنچه که امروز در بین مردم مثل : مظاهرات امروزی اکثراً بخاطر تطبیق احکام اسلامی و تغیر منکرات نمی باشد ، بلکه از برای بدست آوردن امور دنیوی ، منصب سیاسی ، و تطبیق قانون غیر اسلام و غیره صورت می گیرد ، این نوع مظاهرات نا مشروع و حرام میباشد ، و اگر مظاهرات بخاطر اسلام و مانع شدن منکرات و غیره بطور مسالمت آمیز برگزار شود ، مشروع دانسته می شود (اعلام الموقعین ، ج 3 ، ص 15).

• فتوای علامه ابن عثیمین رحمة الله :

هر کشوری که حکومت آن اسلامی و قوانینش اسلامی باشد و احکام شریعت در آن برپا می شود ، خروج بر حاکم حرام است ، حتی اگر حاکم فرد فاسق و فاجر و ناصالحی باشد.. بنابراین تظاهرات نیز بر علیه وی جایز نیست ، زیرا تظاهرات شیوه ای از خروج تلقی می شود و لذا حرام خواهد شد ، بنابراین باتوجه به اینکه تظاهرات نوعی از خروج بر علیه حاکم است ، جایز نیست که از این روش برای اصلاح استفاده کرد ، خصوصاً اگر بهانه ای برای کفار شود و آنها به استناد به آن تظاهرات بخواهند آنرا به دیکراسی خواهی مردم تعبیر کنند و بدین ترتیب فشار بر حکومت اسلامی وارد کنند و وی را تضعیف کنند و بدین طریق گروههای سکولار و لائیک را به قدرت برسانند ، اما هر کشوری که حاکم اسلامی ندارد و شریعت اسلام در آن اجرا نمی شود و یا بعضی از احکام اجرا و بعضی دیگر اجرا نمی شوند ، در اینگونه کشورها جایز است تا اگر قدرت و امکان لازم وجود داشت ، و فساد بزرگی (مانند قتل عام و غارت اموال مردم و آوارگی آنها) متوجه مسلمین نباشد ، با هر طریق ممکن که شرعی باشد اقدام به اصلاح نمود ، ولی نباید از روش تظاهرات مخربی که در آن به بیت المال و اموال مردم خسارت وارد می شود و به آنها تجاوز می گردد استفاده نمود چرا که در غیر اینصورت جایز نیست . ولی اگر تظاهرات مسالمت آمیز باشد و در آن به بیت المال و اموال عمومی و حقوق دیگران تجاوز نشود و زنان و مردان مختلط نشوند ، استفاده از آن بعنوان یک وسیله و ابزار برای برکناری یا اصلاح حاکم فاسد و ظالم و طاغوتی جایز باشد ، و خدا بدان آگاهتر است (المظاهرات السلمية ، ج 1 ، ص 20).

• فتوای شیخ فوزان :

ایشان می فرمایند: مظاهرات و اعتصابات از جمله اعمال اسلامی نمی باشد ، و در تاریخ اسلام سابقه ندارد ، و اعمال مذکور را کفار انجام می دهند ، و مظاهرات و اعتصابات بی بند باری را بوجود می آورد ، که در دین مقدس اسلام جای ندارد ، در حالیکه اسلام دین اسلام دین انضباط و نظام است ، و اعمال که باعث هرج و مرج بین مسلمانان شود ، آنرا ممنوع قرار داده

است ، فلهاذا مظاهرات و اعتصابات در مکتب اسلام جای ندارد (المظاهرات السلمية ، ج 1 ، ص 21).

• فتوی د/ قرضاوی :

مسلمانان حق دارند ، که مانند ، غیر مسلمانان ، از طریق مظاهرات مسالمت آمیز مطالبات مشروع خود را مطرح نمایند ، و خواست های خود را به سمع حاکم و یا امیر برسانند ، چراکه صدای یک فرد شنیده نمی شود ، و لیکن صدای جمعی از مردم به آن از طرف حاکم تمکین صورت می گیرد ، هر آن قدر که تعداد مظاهره کنندگان زیاد شود ، به صدای ایشان توجه بیشتر می شود ، طوریکه الله متعال می فرماید : {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} (سوره المائده : 2) ترجمه: در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید ، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید ، از خدا بترسید . بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است (تفسیر نور ، ج 1 ، ص 2) ، و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : « إن المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً » (صحیح البخاری ، ج 1 ، ص 182) یعنی ، یک مسلمان در مقابل مسلمان دیگر به منزله آبادی است ، که بعضی حصه آن بعضی حصه دیگر آنرا استحکام می بخشد ، و دیگر اینکه مظاهرات از جمله امور عادی است ، بلکه از جمله امور عبادی نمی باشد ، در حالیکه اصل در اشیاء اباحت است ، یک عمل زمانی حرام پنداشته می شود ، نص صریح به حرمت آن دلالت نماید ، فلهاذا مظاهرات مسالمت آمیز بخاطر مطالبه حق و تأمین عدالت به استثنای مظاهرات خشونت آمیز مشروع بوده ، و در برگذاری آن کدام حرمت شرعی دیده نمی شود (هذا المقال منقول من موقع الدكتور يوسف القرضاوي ، <https://www.alqaradawi.net/node/388>).

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده ، از تحقیق فوق الذکر در چند جمله بطور ذیل خلاصه می گردد.

1. مظاهرات مسالمت آمیز مشروعیت دارد ، و به آن پنج حکم تکلیفی در حالات مختلف عارض می شود.
2. اقامه مظاهرات مسالمت آمیز در صورتی واجب است ، که از برای رفع ظلم بوده باشد.
3. اطاعت از حاکم در اموری که معصیت نباشد ، واجب است ، و اگر امام فاسق هم بوده باشد.
4. مطالبه کردن رفع ظلم و احقاق حق از حاکم بزرگترین واجب بر مسلمانان میباشد.
5. بیرون شدن مردم به شهر و راه های بزرگ بخاطر رفع ظلم حاکم مشروع میباشد.
6. خارج شدن به قوه قهریه بخاطر عزل نمودن امام عادل به اجماع مسلمانان حرام می باشد.
7. خارج شدن به قوه قهریه بخاطر عزل نمودن امام فاسق ، در حکم این مسئله بین فقهاء اختلاف است.
8. مظاهرات کردن تا وقتی که بالای مسلمانان واجب است ، که فساد و ظلم اختتام یابد.
9. فرمان برداری از حاکم در معصیت حرام است.
10. مطالبه برکناری حاکم وقتیکه فاسق باشد ، مشروع است.
11. مطالبه برکناری حاکم وقتیکه فاسق باشد ، مشروع است و لیکن خروج علیه وی ممنوع می باشد.

12. و در اکثر اوقات مظاهره بواسط اشخاص امنیتی به فساد کشانده می شود.

و از الله متعال مطالبه داریم ، که ظلم را از ما و از مظلومین دور بگرداند، و مستضعفین را نصرت بفرماید ، و دین اسلام را حاکم بسازد ، آمین و صلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین والحمد لله رب العالمین.

مرجع و مصادر

- قرآن کریم.
- ابن تیمیة ، تقی الدین أبو العباس. (1426 هـ). مجموع الفتاوی. الناشر : دار الوفاء.
- أبو داود ، سليمان بن الأشعث السجستاني. (ب تا). سنن أبي داود. بيروت : دار الكتاب العربي.
- أبو عبد الله ، محمد بن أبي بكر أيوب. (1973م). إعلام الموقعين. بيروت : دار الجيل.
- الأزهري ، أبو شجاع. (ب تا). المظاهرات السلمية. دراسة فقهية تأصيلية مبنية على الأدلة الصحيحة من الكتاب العظيم والسنة النبوية.
- بخاري ، محمد بن إسماعيل. (1407). صحيح البخاري. بيروت : دار ابن كثير.
- ترمذي ، محمد بن عيسى. (1998 م). سنن الترمذي. بيروت : دار الغرب الإسلامي.
- حميدي ، محمد بن فتوح. (1423هـ). الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم. بيروت : دار ابن حزم.
- خرم دل ، د/مصطفى. (1389 هـ). تفسير نور. تهران : نشر احسان.
- رئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد. (ب تا). مجلة البحوث الإسلامية. مجلة دورية تصدر عن الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد.
- سدلان ، صالح بن غانم. (1425هـ). الفقه الميسر. الرياض : وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية.
- سيد قطب. (1412هـ). في ظلال القرآن. بيروت : دار الشروق.
- عثيمين ، محمد بن صالح بن محمد. (ب تا). شرح رياض الصالحين. مصدر الكتاب : موقع جامع الحديث النبوي.
- فوري ، علاء الدين علي بن حسام. (1401هـ). كنز العمال. ناشر : مؤسسة الرسالة.
- قرطبي ، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح. (1423). الجامع لأحكام القرآن. الرياض: دار عالم الكتب.
- قزويني، محمد بن يزيد. (ب تا). سنن ابن ماجه. ناشر: دار إحياء الكتب العربية.
- ما حكم المظاهرات في الاسلام ؟ الفتاوى الشرعية- منتدى أنصار ، www.ansarsunna.com/vb/showthread ،
- ماوردي ، علي بن محمد بن محمد بن حبيب. (ب تا). الأحكام السلطانية. قاهره : دار الحديث.
- نجدي ، حمد بن ناصر بن عثمان بن معمر. (1398هـ). مجموعة الرسائل والمسائل والفتاوى. ناشر: دار تقيف.